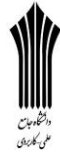




<p>مقطع تحصیلی: کاردانی ■ رشته معماری ترم دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹ نام درس: معماری جهان اسلامی نام و نام خانوادگی مدرس: مهرازان رضایی آدرس email مدرس mehranrezaie056@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۵۶۱۶۲۴۴</p>	
<p>جزوه درس معماری جهان اسلامی</p> <p>text: دارد ■ ندارد □</p> <p>voice: دارد □ ندارد ■</p> <p>power point: دارد □ ندارد ■</p> <p>مربوط به هفته نهم ■</p>	
<p>ادامه تاثیر معماری اسلامی در اروپا و امریکا</p> <p>ارنست گامبیریچ نیز در کتاب پر نفوذ خود «تاریخ هنر»، نگاره‌های دل‌انگیز و نقوش پرمایه رنگین الحمرا را مدیون اسلام می‌داند: «که فضایی را به وجود آورد که در آن هنرمندان از مسائل دنیوی و امور واقع روی برگیرند و در سپهر رؤیایی و تخیلی خط و رنگ ناب سیر کنند(8)».</p> <p>این جا مجال سخن نیست که از رازهای پنهان و اسرار باطنی هنری سخن بگوییم که هنرمندش جهان را چون جلوه‌ای از جمال بی‌همتای وجود مطلق واحد می‌انگارد و تمامی ذوق و استعداد خدادادش را در تصویرگری این جمال بی‌مثال به خدمت می‌گیرد که آن را باید در کتب و تألیفات مفصلی که از سوی متفکران نگاهشده شده جست‌وجو نمود، اما می‌توان از اثر شگفت‌انگیز این هنر بر تمدن‌های دیگر، به ویژه تمدن غرب که از طریق اندلس با این رمز و رازها روبه رو گشت، سخن گفت: این مقاله تنها ذکر مصادیقی محدود از این تأثیرپذیری است.</p> <p>«هلن گاردنر» که در کتاب «هنر در گذر زمان» خود، گنج‌بری‌های الحمراء را همتای خیال‌پردازی‌های ظریف شاعران مسلمان می‌داند، در تأثیر سبک معماران الحمراء بر اروپا و آمریکا می‌آورد: «نفوذ این سبک بر هنر اسپانیا در سراسر سده‌های میانه هم چنان قوی بود و تا دوره رنسانس نیز رسید و رگه‌هایی از آن را می‌توان حتی در هنر مستعمرات اسپانیا در قاره امریکا مشاهده کرد.»(۹) البته در این جا ذکر نکته‌ای را ضروری می‌دانیم و آن عمد و قصد وسیعی است که در انکار یا دست کم، نادیده گرفتن تأثیرات هنر، فرهنگ و معماری اسلامی بر غرب، مجموعه تحقیقات و مطالعات غریبان را در بر گرفته است. هنگامی که کتب تاریخ دوره‌های مختلف مدارس امروز اسپانیا، از حضور مسلمین در اسپانیا، تنها به دو صفحه بسنده می‌کنند و از محققان منصف غربی کسی چون «گانیگوس» مستشرق اسپانیایی در مقدمه ترجمه کتاب «نفخ الطیب» می‌نگارد: «ماریانا مورخ اسپانیایی و سایر مورخان بزرگ این کشور با احساسات ملی و تعصب دینی همراه با دشمنی و کینه‌توزی عمیق نسبت به عرب، همیشه تألیفات مورخان عرب را تحقیر کرده و ناچیز شمرده‌اند، در نتیجه روش علمی بحث و مقارنه اسناد تاریخی عرب با نوشتارهای مسیحی را رد کرده‌اند و ترجیح داده‌اند تألیفات خود را بر پایه دیدگاه مسیحیان از تاریخ گذشته تنظیم کنند، لذا تاریخ اسپانیای قرون وسطی با وجود تحقیقات مورخان معاصر، هم چنان جولان گاه خرافات و تناقضات است»(۱۰) بنابراین نمی‌توان انتظار داشت منابع مکفی و مستندی را در مجموعه آثار محققان غربی، (جز در موارد معدود و نادری) پیرامون بررسی این تأثیرات یافت. این وظیفه مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی جهان اسلام است که با ارسال محققان و نیز اختصاص رساله‌های دکتری توسط دانشگاه‌های اسلامی و به ویژه ایرانی، این بخش از تاریخ غبار گرفته هنر و معماری اسلامی و به تعبیر جهانی را که قطعاً یکی از ناب‌ترین دوره‌های هنر و معماری اسلامی است، روشن سازند.</p> <p>با این وجود خیره‌کنندگی این آثار و نیز انصاف برخی محققان، نمونه‌ها و مستندات تاریخی روشنی را از تأثیر هنر و معماری اسلامی بر غرب -هم چنان که «گاردنر» متذکر شده است- در برابر رویمان می‌نهد. به عنوان مثال «مارتین بریگز» در مقاله‌ای تحت عنوان «معماری و ساختمان»، در کتاب «میراث اسلام»، وجود خصوصیات معماری اسلامی در کلیای ژرمنی دوبره -که در</p>	



قرن نهم میلادی ساخته شد- را به حضور معماران مسلمان در اسپانیا و تأثیر آنان بر معماری این کلیسا مرتبط می‌سازد. از دیدگاه وی یکی از نمونه‌های دیگر این تأثیرات کنار هم قرار دادن گنبد و مناره به تقلید از معماری مسلمانان است: «شکی نیست که در نظر معماران و مهندسين اسلامی، ساختمان گنبد و مناره پهلوی هم بسیار مطلوب بوده و این قسمت در (رن) نفوذ نموده به طوری که در بنای سنت پا، گنبد و برج پهلوی یکدیگر دیده می‌شود» (۱۱) وی همچنین متذکر می‌شود در ساخت برج و باروی نظامی، اروپائیان از سبک معماری مسلمین در ساخت کنگره‌هایی به نام machicolation متأثر بودند: «در سوره نظیر این کنگره‌ها که به دست مسلمین ساخته شده نیز کشف شده که متعلق به سال ۷۲۹ بعد از میلاد می‌باشد. یکی از دروازه‌های قاهره که به باب‌النصر معروف است (۱۰۸۷) و به وسیله معماران ارمنی ساخته شده، دارای ماچیکولیشن می‌باشد.

این ساختمان‌ها از لحاظ تاریخی بر بناهای نظیر آن در اروپا از قبیل قصر گیار (۱۱۸۴)، شاتیون (1186)، نوروچ (۱۱۸۷) و وینچستر (۱۱۹۳) تقدم دارد. بدین طریق واضح می‌گردد که جنگ جویان جنگ‌های صلیبی در معماری این قسمت را از اعراب آموخته‌اند (12).

ساختمان کلیسا (که در اندیشه و حکمت مسیحی به مثابه تن عیسی بود) نیز از الگوهای معماری مسلمین بهره‌های فراوان برد: «در سیسیل در سال ۱۱۳۲ کاپلاپالتینا، و در سال ۱۱۳۶ کلیسای مارتورانو و در ۱۱۵۴ لازیزا و در ۱۱۸۰ لاکوبا ساخته شد این بناها از حیثه تسلط مسلمین خراج بود. ولی باید دانست که حتی اگر بناهای مذکور به وسیله نورمان‌ها ساخته شده باشد باز مشخصات ساراسنیک (عربی) که در امالفی و سالرنو در خاک ایتالیا مشهود می‌گردد در آن‌ها فراوان است» (13).

نکته مهم تر در همین فضا تأثیر معماری اسلامی - به ویژه در استفاده از هلال‌های نوکدار - بر معماری گوتیک است. این نکته گرچه در اکثر تألیفات مورخان هنر معمولاً نادیده انگاشته شده و از آن ذکری به میان نمی‌آید اما شباهت فوق‌العاده برخی معماری‌های گوتیک با معماری اسلامی (که در تصاویر زیر مشهود است) تقریباً هرگونه تردیدی در این تأثیرگذاری را از بین می‌برد.

شرح مستند «بریگز» در این تأثیرگذاری چنین است: «سبک تزئیناتی که در ساختمان برج و باروها بکار می‌رفت از بین‌النهرین به قاره و از آن جا به ایتالیا نفوذ نمود و بعداً یکی از مشخصات معماری گوتیک گردید. حروفی که بر روی سنگ و چوب کنده می‌شده و در قرن نهم در مسجد ابن طولون در قاهره مشهود می‌گردد بعداً در ساختمان‌های گوتیک دیده می‌شود بعلاوه نوشتن حروف کوفی هنگام اشغال ایالات جنوبی به وسیله مسلمین در فرانسه نفوذ نمود و در انگلستان نیز مواردی هست که نفوذ تزئینات ساختمانی عرب را در آن کشور مشهود می‌سازد از آن جمله بنای کلیسای «وست مینیستر» نشانه خوبی است. نقوشی که اعراب در چوب می‌کنند، بعداً در انگلستان بر روی فلزات معمول شد. طرح عرسبک و استعمال نقوشی هندسی جهت تزئینات محققاً جزو دیون ما به مسلمین محسوب می‌شود یعنی همان مسلمینی که خود مبدع اصول بسیاری در علم هندسه بودند. تمام آن چه گفته شد نکات بخصوصی بود که مختصراً به ذکر آنها و بعداً به طور دوستانه در قرون وسطی در معماری‌های مغرب زمین نفوذ بسیار داشته که در این مختصر ذکری از آن نگردیده است. در اسپانیا سبک ساختمانی اعراب تا اواخر دوره تجدید به خوبی پیش می‌رفت و مطالعه در این قسمت بسیاری از نکات مبهم و عجیب معماری اسپانیایی گوتیک را مشهود می‌سازد. بالاخره باید دانست که معماری اسلامی هنوز در بعضی از ممالک که به نظر ما عقب مانده‌اند به نشو و نمای خویش ادامه می‌دهد (14)».

آن چه تحت عنوان تأثیرپذیری معماری اروپا، از معماری اسلامی ذکر شد، مختص همان قرون اولیه آشنایی غرب با جهان اسلام بود. این معنا در دوره‌های بعد حتی پس از فتح اندلس به دست مسیحیان و نیز نهضت رنسانس که در معماری احیای دوره کلاسیک یونانی (با ساختمان‌های پرشکوه و مجلل) را آرمان خود می‌دانست، ادامه یافت. اوج‌گیری سفر اروپائیان به شرق و شرح گزارشاتی که این مستشرقان و جهانگردان از زیبایی‌های رازگونه شرقی ارائه می‌کردند در الگوگیری معماری اروپا از مسلمین



بسیار مؤثر بود. «شیلابلر» و «جانانان بلوم» در کتاب ارزش مند خود «هنر و معماری اسلامی» با اختصاص بخشی تحت عنوان «تأثیر هنر اسلامی» از تداوم تأثیرپذیری معماری اروپا از معماری اسلامی و به ویژه اسپانیا، چنین سخن می‌گویند: «اسپانیا با آن بناهای چشم گیر، در دسترس‌ترین کشور برای اخذ الگو از سوی اروپائیان بود. پیش‌تر در نیمه دوم قرن ۱۸/م ۱۲ هـ آکادمی سن فرنادو، دو معمار به نام «خوان دوپلانو» و «پدروروآرنال» را فرستاده بود تا به نظارت «خوزه دهر موسیلا»، ترسیم‌هایی از غرناطه و قرطبه (گرانادا و کوردوبا) بکشند، این ترسیم‌ها در ۱۷۸۰/م ۱۹۵ هـ با عنوان (antigvedades qrabes de espena) منتشر گردید. هم چنان که این کشور با اقبال فزاینده جویندگان مناظر بدیع مواجه بود، الحمراء به تخیل کلامی و تجسمی غرب نفوذ پیدا کرد. «جیمز کاوانه»، مورخی که از ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۹/م ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۴ هـ در اسپانیا بسر برد، آثار عتیقه از دوران عربان (لندن ۱۸۱۳) را منتشر ساخت، و چندی نگذشت که ادبا و نجبای اروپایی و امریکایی چون «شاتوبریان»، «ویکتور هوگو»، «واشینگتن اروینگ» و «تئوفیل گواتیه» با نگارش شرح مسافرت خود بدان جا کار او را پی گرفتند. هم سو با این گزارش‌های کلامی گزارش‌های تجسمی هم ارائه گردید: در سال ۱۸۳۲-۱۸۳۳/م ۱۲۴۸ هـ «ژرالد پراژه» از اسپانیا دیدن کرد و چهار سال بعد «سوغات‌ها، الحمراء غرناطه» (پاریس، ۷-۱۸۳۶)، و به دنبال آن «بناهای تاریخی مسلمانان و مورها در قرطبه و اشبیلیه و غرناطه» (پاریس، ۱۸۳۹) را که در واقع فقط به قرطبه و اشبیلیه می‌پردازد، منتشر ساخت. چند سال بعد هم او رساله‌ای در باب معماری مسلمانان و مورها در اسپانیا و سیسیل و شمال آفریقا (پاریس، ۱۸۴۱) نگاشت و در آن به معرفی بناهای تاریخی شمال آفریقا در تونس، الجزایر و «بون» پرداخت. «جول گوری» و «اون جونز» در ۱۸۳۴/م ۱۲۵۰ هـ تصویر الحمراء را کشیدند، گوری درگذشت و جونز یک تنه کار را ادامه داد و در ۱۸۳۷/م ۱۲۵۳ تنها بازگشت. اثر آنان بنام نقشه‌های کف، نقشه‌های نما، برش‌های مقطعی و تفصیلات الحمراء (لندن، ۴۵-۱۸۳۶/م ۶۱-۱۲۵۲ هـ) که در دو اطلس انتشار یافت کتاب الگوی معماران تلقی شد (۱۵)».

هم چنین یکی دیگر از مواردی که در معماری غرب تأثیر گذاشت، الگوگیری از الحمراء در ساخت تاترها و تالارهای موسیقی است. جان سوییتمن در کتاب «شرق‌زدگی، الهامات اسلامی در هنر و معماری انگلستان و امریکا» (۱۵۰۰-۱۹۲۰) چاپ کمبریج (۱۹۸۷) از افتتاح بنایی تحت عنوان «رویال پانوپتیکون» در سال ۱۸۵۶ در میدان لیسستر لندن سخن به میان می‌آورد که متأثر از طرح‌های الحمراء بود و دو سال بعد از افتتاح، به «تالار موسیقی الحمراء» تغییر نام یافت. به زعم نویسندگان کتاب هنر و معماری اسلامی «بدون تردید این سبک به شیوه‌ای شرق‌گرایانه در بعضی دیگر از سالن‌های تئاترها و تالارهای موسیقی انگلستان و امریکا تثبیت گردید (۱۶)» علاوه بر آن چه ذکر شد این نکته نیز لازم به ذکر است که در تاریخ هنر سبکی به نام سبک مد جنی (mude jar) در معماری و هنرهای تزئینی وجود دارد که «در واقع دستاوردهایی بود که پس از فتح مجدد اسپانیا، از مسلمین به جای ماند، اصطلاح مدجنی اساساً برای توصیف آثاری است که صنعت گران دستی مسلمان برای اربابان مسیحی اجرا کردند و از آن هنگام این اصطلاح برای توصیف آثار متأخر اسپانیایی در سنت اسلامی، به ویژه آجرکاری، گچ بری، آثار چوبی، و کاشی کاری که به شیوه مغربی انجام شده‌اند، گسترش یافته است (۱۷)».

ادله و مصادیق پیرامون تأثیرپذیری معماری غرب از معماری اسلامی، بسیار فراتر از اسلام، مصادیق معدودی است که تا بدین جا ذکر شد و تفصیل آن را باید در منابع مستندی چون «میراث اسلام» (چاپ‌های جدید آکسفورد) و کتب ارزش مند دیگری چون «شرق‌زدگی، الهامات اسلامی در هنر و معماری انگلستان و امریکا (1500-1920)» «جست‌وجو نمود (هم چون بناهای تاریخی هند اسلامی که الهام‌بخش بسیاری از هنرمندان و معماران انگلیسی گردید) لیک پیش از اتمام این بخش ذکر نکته‌ای دیگر در این راستا خالی از لطف نیست که در سال ۱۹۷۶ موزه «مترو پولیتن» و کالج «هانتز» پروژه‌ای را هدف آموزش ریاضیات متوسطه از طریق هنر آغاز نمودند. اولین قسمت این پروژه تماماً به نقوش هندسی اسلامی (که از بنیان‌های تئوریک معماری و نیز اسلیمی‌های هندسی اسلامی است) اختصاص داشت. طراحان این پروژه محققان، مؤلفان و معلمان ریاضی امریکا را به استفاده از این نقوش هندسی تشویق کردند: «طرح‌هایی که تجرد، منطق ذاتی و کلیتشان، آنها را به ابزارهای بسیار ارزش مندی برای



تدریس موضوعاتی چون معرق کاری، جبر و گسترش هندسی تبدیل کرده است (18)».

پی نوشت:

1. آل علی، دکتر نورالدین، اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
 2. همان، ص ۱۵۵.
 3. همان، ص ۲۳۳.
 4. اسلام در غرب، صص ۲۳۴ - ۲۳۳.
 5. هیلن برند، روبرت، معماری اسلامی، ترجمه دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ص ۴۴۴، تهران، نشر روزنه، ۱۳۸۰.
 6. بلخاری قهی، حسن، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی (معماری و موسیقی)، ص ۱۳۴، تهران، نشر حسن افرا، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
 7. نجیب اوغلو، گل‌رو، هندسه و تزئین در معماری اسلامی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، ص ۱۶۲، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۹.
 8. گامبریچ، ارنست، تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، ص ۱۳۱، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
 9. گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، ص ۲۶۲، تهران، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
 10. اسلام در غرب، ص ۳.
 11. the legacy of islam, edited by the late sir thomas arnold & alfred guillaum pg158, oxford 1934
 - 12.. ibid, 159
 13. . ibid, 160
 14. ibid, 164 - 165.
 15. بلر، شیلا و ام‌بلوم، جانانان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، صص ۳۴۶-۳۴۵، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
 16. چیلوز ایان و آزبورن، هارولد، سبک‌ها و مکتب‌های هنری، ترجمه فرهاد گشایش، ص ۱۴۷، نشر عفاف، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دوم.
 17. هندسه و تزئین در معماری اسلامی، ص ۱۲۱.
 18. کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه دکتر یعقوب آژند، ص ۷۱، نشر مولی، تهران، ۱۳۷۶.
-
- منبع: کتاب حکمت هنر، زیبایی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- منبع الکترونیک: باشگاه اندیشه . www.bashgah.net